

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله
۱۷ جون ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۸)

قالب های شعر سنتی:

عموماً شعر سنتی یا کلاسیک در قالب های ده گانه زیر سروده می شود:

۱- فرد: دو مصراع متحد الوزنی را گویند، خواه متفق القافیه باشد، خواه نباشد. در شعر سنتی فرد واحد شعر به حساب می آید

متحد الوزن است:

پدر کشتی و تخم کین کاشتی پدر کشته را کی بود آشتی

نا متحد القافیه:

بر تواضع های دشمن تکیه کردن ابلهی است پای بوس سیل از پای افکند دیوار را

۲- غزل: شعر بیست که قافیه واحد در آخر تمام ابیات آن تکرار شود. بیت اول که به نام مطلع یاد می شود هر دو مصراع آن هم قافیه است که به نام بیت مُصرع یاد می شود. دیگر ابیات آن دو مصراع هم قافیه ندارند. تعداد ابیات آن از دوازده تجاوز نمی کند. بیت آخری که اغلب شاعر تخلص خود را در آن می آورد مقطع نامیده می شود.

غزل از ابداعات شاعران زبان دری است. شکل گیری آن زمان نیست که شاعران از سرایش قصاید مدحیه دست می کشند و تنها قسمت تغزل آن را می سرایند که بالاخره غزل نامیده می شود، اختراع غزل را به سنائی نسبت می دهند. غزل یکی از قالب های همه گیر شعر فارسی در بیش از هفت قرن است. در ابتداء مضمون عشقی و عرفانی داشت. بعد ها موضوعات فلسفی و در سده های اخیر مضامین سیاسی و اجتماعی هم بدان اضافه گشت. غزلسرایان معروف زبان دری حافظ، سعدی، بیدل، جامی، فرخی یزدی و... می باشند.

نمونه ای غزل از حافظ:

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما چیست یاران طریقت بعد ازین تدبیر ما؟
ما مریدان روبه سوی کعبه چون آریم؟ چون روی سوی خانه خمار دارد پیر ما
در خرابات مغان با پیر هم منزل شویم کاین چنین رفتست در روز ازل تقدیر ما
عقل اگر داند که دل در بند زلفت چون خوشست عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما!

مرغ دل را صید جمعیت به دست افتاده بود زلف بگشادی و باز از دست شد نخچیر ما
 باد بر زلف تو آمد شد جهان بر ما سیاه نیست از سودای زلفت بیش از این توفیر ما
 روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد زین سبب جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
 با دل سنگینت آیا هیچ درگیرد شبی آه آتشبار و سوز سینه شبگیر ما
 تیر آه ما ز گردون بگذرد حافظ، خموش!
 رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

۳- قصیده: قصیده مانند غزل دارای مطلع و مقطع است. تعداد ابیات آن از ۲۵ بیت کم نیست. قصیده اصلاً از عربی وارد زبان دری شده است. قصیده مدحیه که دربار های شاهان آن را به خدمت می گرفت، شامل سه رکن بود که توسط ابوعبدالله رودکی پدر شعر دری ترتیب و تنظیم شد.

نخست قسمت تثبیت یا تغزل، که شاعر به وصف مناظر طبیعی می پردازد، دوم گریزگاه یا مخلص که شاعر از تغزل به مدح ممدوح گریز می زند و لطف قصیده را در آن می دانستند که این گریز طوری به کار گرفته شود که تغییری در موضوع رخ ندهد. مهارت شاعر درین قسمت ارزیابی می شد. سوم دعائیه یا حسن طلب است که شاعر به مدح ممدوح خود می پردازد و چیزی از او می خواهد.

بعد از سقوط شاهان غزنوی، سامانی و سلجوقی قصیده مدحیه دیگر رونقی نداشت و ارکان قصیده فروپاشید. موضوع قصیده بعد از آن پند و اندرز و اخلاق شد. سعدی در قصاید غیر مدحیه شهرت دارد و اولین شاعریست که قصیده را در غیر از مدح به کار گرفت. امروز هم شعرائی که شعر سنتی می سرایند، قصیده را در مسایل سیاسی و اجتماعی به کار می گیرند.

قصیده سرایان معروف زبان دری رودکی، عنصری، فرخی، منوچهری، دقیقی، مسعود سعد سلمان، سنایی، فریابی، انوری، خاقانی، امیر معزی، سعدی، قآنی، صبا، حقوقی، خلیلی و... می باشند.

در بین قصاید شاعران، قصیده "با کاروان حله برفتم ز سیستان با حله تنیده ز دل بافته زجان" از فرخی سیستانی معروف می باشد.

۴- مثنوی: مثنوی نوع شعریست که قافیه در دو مصراع هر بیت بیاید ولی در هر بیت قافیه تغییر بخورد، به معنی دو تائی و مزوج است. از ابتکارات دری زبانان می باشند. شاعر مبتکر آن مشخص نیست. موضوع آن حماسی، بزمی، تصوفی، داستانی، اخلاقی و عشقی می باشد. کلاسیک سرایان در سده اخیر مثنوی را در امور اجتماعی و سیاسی هم به کار برده اند. آسانترین قالب شعر دریست، زیرا دست شاعر در به کار برد قافیه آزاد می باشد. بدون مثنوی در قالب های دیگر شعری شاعران قادر نیستند داستان های طویل را به زبان شعر بیان کنند. مثنوی سرایان معروف فردوسی، مولوی، جامی، نظامی، سنائی، امیر خسرو دهلوی و... می باشند. عطار منطق الطیر را که یک اثر سمبولیک است درین قالب سروده است. شهنامه فردوسی و مثنوی مولوی بزرگترین آثار شعری زبان ماست که در قالب مثنوی سروده شده اند.

نمونه ای از مثنوی معنوی:

مستی عشق

ما اگر فلاش اگر دیوانه ایم / مست آن ساقی و آن پیمانه ایم + بر خط فرمان او سر می نهیم / جان شیرین را گروگان می دهیم + تا خیال دوست در اسرار ماست / چاکری و جانسپاری کار ماست + هر کجا شمع بلا افروختند / صد هزاران جان عاشق سوختند

نمونه ای از شهنامه فردوسی: وقتی هجیر دلاور را پیش سهراب می آورند، سهراب اینگونه او را مخاطب قرار می دهد:

ایا پُر هنر پهلوان دلیر / چو شیر ژبانی شده دستگیر + چو خواهی که یابی رهایی زمن / سر افراز باشی بهر انجمن + بهر کار در پیش کن راستی / چو خواهی که نگزایدت کاستی + سخن هر چه پرسم همه راست گوی / متاب از ره راستی هیچ روی

۵- قطعه: بخشی از قصیده است که دارای مطلع مصرع نمی باشد. حد اقل آن دو بیت و حد اکثر آن ۱۰ بیت می باشد. بیشتر از آن هم گفته شده، موضوع آن بیشتر اخلاقی، حکایت شیرین، مدح، هجو، تهنیت و تعزیت می باشد. ابن یمین فرمود، سعدی و پروین اعتصامی درین قالب طبع آزمائی کرده اند: نمونه قطعه از پروین اعتصامی:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی	فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم	کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست	پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست
نزدیک رفت پیر زن گوژپشت و گفت	این اشک دیده من و خون دل شماست

۶- رباعی: رباعی به معنی چهار تائی یا چارگانی است، مرکب از دو بیت است. از چهار مصراع. مصراع اول، دوم و چهارم هم قافیه می باشد. مصراع سوم به اختیار شاعر است. رباعی بر وزن (لاهل ولا قوت الا بالله) می باشد. یکی از قالب های مشکل شعر دریست به خاطری که شاعر باید در چهار مصراع هدفی را بیان دارد. رباعی سرایان معروف زبان دری – خواجه عبدالله انصاری، بابا طاهر عریان و خیام می باشند. نمونه رباعی از خیام: **

می خوردن من نه از برای طرب است نه از بهر نشاط و ترک دین و ادب است
خواهم که ز خویشتن دمی دمی باز رهم می خوردن و مست بودم زین سبب است

==

چون آمدنم به من نبُد روز نخست وین رفتن بی مراد عزمی است درست
بر خیز و کمند ببند ای ساقی، چست کاندوه جهان به می فرو خواهم شست

۷- مسقط: نوعی از شعر است که مرکب از رشته های کوچک بوده و همه رشته ها در وزن و تعداد مصراع ها یکی و در قافیه مختلف می باشند. اگر این رشته ها یا بخش ها سه مصرعی باشند، آن را مثلث، اگر چهار مصرعی باشند، آن را مربع، اگر پنج رشته ئی باشند آن را مخمس و اگر شش رشته ئی باشند آن را مسدس می گویند.

مسقط از ابتکارات منوچهری دامغانی است.

آمد بهار خرم و آورد خرمی / و ز فر نو بهار شد آراسته ز می + خرم بود همیشه بدین فصل آدمی / با بانک زیر و بم بود و قحیف در غمی+ زیرا که نیست از گل و از یاسمن کمی / تا کم شدست آفت سرما ز گلستان از ابر نو بهار چو باران فروچکید/ چندین هزار لاله ز خارا برون دمید + آن حله ای که ابر مراد را همی تنید / باد صبا بیامد و آن حله بر درید + آن حله پاره پاره شد و گشت ناپدید / و آمد پدید باز همه دشت پرنیان

۸- مستزاد: مستزاد عبارت از رباعی، غزل یا قصیده ای که به هر مصراع آن پاره کوتاهی متناسب با همان وزن افزوده شود. مصراع های اصلی از لحاظ وزن و معنی به این پاره های اضافی محتاج نیستند و بی وجود آنها کامل اند ولی حیثیت تأکیدی بر مصراع های اصلی دارند. این پاره ها با همدیگر هم وزن و هم قافیه اند و چون شعر مستقل و مجزا با هم رابطه معنوی دارند. این نوع شعر قدمی است در جهت شکستن طول مصراع های متساوی عروضی و نزدیکی به شعر نیمائی.

نمونه ای آن از خواجه کرمانی:

کس نیست که گوید زمن آن ترک ختارا	گر رفت خطائی
باز ای که داریم توقع ز تو یارا	با وعده وفائی
منداز به نام من دلسوخته فلفل	بر آتش رخسار
کافتاده دل، از آتش رخسار تو ما را	در دام بلائی..... الخ

۹- ترجیع بند: آن نوع نظم را گویند که از یک سلسله غزل های مختلف القافیه و متحد الوزن تشکیل یافته باشند. آنچه این بند ها را از یکدیگر جدا می کند، بیت مقفی است که در آخر هر بند می آید. این بیت مقفی با ابیات پیش در وزن یکی و در قافیه مختلف می باشد. اگر این بین در فاصله بند ها عیناً تکرار شود، آن را ترجیع بند می گویند.

۱۰- ترکیب بند: تمام مشخصات ترجیع بند را دارد، صرف بیت مقفی آن فرق می کند. در ترکیب بند بیت مقفی عیناً تکرار نمی شود و بیت جدید می شود. شعرائی که ترجیع بند و ترکیب بند سروده اند، عبارت اند از: جمال الدین عبدالرزاق، کمال الدین اصفهانی، محتشم کاشانی، وحشی بافقی، هاتف اصفهانی و...

ادامه دارد...

یادداشت:

* - غزل حافظ به استناد کتاب "حافظ شیراز" از "احمد شاملو" ویراستاری و تکمیل گردیده است.

** - رباعیات عمر خیام به استناد صفحه انترنیت ویراستاری شده اند.
اداره پورتال AA-AA